

رویارویی برادران جلیلی با روحانی

دعای جناحی به جای منافع ملی

در روزهایی که فعال شدن مکانیسم ماشه و تهدید بازگشت تحریم فضایی سیاسی و اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار داده، دعای لفظی میان حسن روحانی و سعید جلیلی بار دیگر اوج گرفته است. جلیلی در تازه‌ترین اظهارات خود، با لحن تند و انتقادی، مدعی شد که مسائل مربوط به توافق‌های هسته‌ای پیش از این در جلسات شورای عالی امنیت ملی روشن شده و روحانی پاسخ مناسب را ارائه نداده است. او حتی در واکنش به درخواست مناظره حسن روحانی، اظهار داشت که امروز هر کودک و نوجوانی که اخبار را دنبال کرده باشد، می‌تواند اظهارات رئیس‌جمهور سابق را نقد کند. در این بین وحید جلیلی هم بیکار ننشسته و رسانه ملی را به تریبونی برای حمله به روحانی و برجام بدل کرده است. با وجود ظاهر انتقادی، این نوع اظهارات بیش از آنکه نقد سازنده باشند، یک ابزار سیاسی برای فشار و تسویه حساب جناحی محسوب می‌شوند.

تحلیلگران سیاسی و رسانه‌ای هشدار می‌دهند که این طیف تندرو، با دامن زدن به کشمکش‌های لفظی، فضای کشور را قطبی می‌کند و توجه عمومی را از مهم‌ترین اولویت‌ها یعنی مقابله با فشارهای خارجی و حفظ انسجام ملی منحرف می‌سازد. واقعیت این است که دعوای رسانه‌ای جلیلی و همفکران او نه تنها باعث افزایش تنش داخلی می‌شود، بلکه دشمنان خارجی ایران را نیز امیدوار می‌کند که اختلافات داخلی فرصت مناسبی برای فشارهای بیشتر است. در شرایطی که ایران باید تمام توان خود را برای مدیریت اقتصادی و دیپلماتیک کشور به کار گیرد، کشمکش‌های این چنینی، تنها انرژی ملی را هدر می‌دهد و بهره‌وری تصمیم‌گیری‌ها را کاهش می‌دهد.

هشدارهای ناشنیده

این رویکرد جلیلی و حامیانش که به نظر می‌رسد این روزها به خاطر فعال شدن مکانیسم ماشه بسیار خوشحال‌اند و فرصتی برای حمله به دولت روحانی و برجام یافته‌اند، درحالی مشاهده می‌شود که بارها مقامات ارشد نظام، به ویژه رهبر انقلاب، نسبت به خطرات ایجاد تنش‌های سیاسی در شرایط حساس هشدار داده‌اند. نمونه شاخص این هشدارها، تمجید و تشکر رهبر انقلاب از رئیس‌جمهور در زمان حاشیه‌سازی‌های مشابه علیه دکتر پزشکیان بود؛ جایی که طیف رادیکال تلاش داشت با پروژه بنی‌صدرسازی از پزشکیان طرح عدم کفایت او را پیش ببرد و فضای سیاسی کشور را بیش از قبل ملتهب کند. تداوم این رویکرد و فرصت‌طلبی در شرایط حساس کنونی که کشور زیر سایه جنگ و ماشه مانده و مردم دغدغه معیشت دارند، نشان می‌دهد که تندروها، با وجود هشدارهای روشن و مکرر، حاضر به عقب‌نشینی از مسیر مخرب خود نیستند و همچنان ترجیح می‌دهند سیاست داخلی را به‌صحنه تسویه حساب‌های سیاسی تبدیل کنند. پیامد چنین رفتارهایی نه تنها برای وحدت داخلی خطرناک است، بلکه می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی، تضعیف اراده ملی و آسیب به ظرفیت‌های دیپلماتیک ایران منجر شود.

فراموشی منافع ملی!

در شرایط فعلی، ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی روبه‌روست. بازگشت تحریم‌ها، فشارهای روزافزون بر صادرات انرژی، مشکلات اقتصادی و ضرورت مدیریت اجتماعی، نشان می‌دهد که وحدت داخلی و همگرایی ملی بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. تمرکز بر جدال‌های جناحی، به ویژه در روزهای حساس، نه تنها کمکی به حل مشکلات نمی‌کند، بلکه در عمل دست طرف‌های خارجی را برای بهره‌برداری از شرایط باز می‌گذارد.

تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که هرگونه بی‌توجهی به انسجام داخلی، زمینه‌ساز موفقیت دشمنان در فشار آوردن به ایران است. در چنین شرایطی، تحلیلگران سیاسی معتقدند که تنها رویکردی که می‌تواند ایران را از فشارهای خارجی محافظت کند، تمرکز بر مصالح ملی، تقویت انسجام و پرهیز از منازعات جناحی است.

روحانی و دستاورد‌های دیپلماتیک

تجربه برجام و مذاکرات هسته‌ای، نشان داد که دیپلماسی هوشمندانه و تعامل سازنده با جهان، می‌تواند مسیر کشور را در عرصه بین‌المللی تثبیت کند. حسن روحانی و تیم مذاکره‌کننده او با صبوری و تلاش مستمر، سعی کردند مسیر ایران را در قالب یک توافق بین‌المللی حفظ کنند. مسیری که هرچند چالش‌های خود را داشت، اما ثبات کرد که مذاکره سازنده می‌تواند کشور را از تنش‌های مستقیم و فشارهای یک‌جانبه خارجی محافظت کند. این رویکرد دیپلماتیک، نمونه‌ای از مدیریت بحران در سطح بین‌المللی و بهره‌گیری از فرصت‌های محدود برای حفظ منافع ملی است.

در دوره مذاکرات هسته‌ای، ایران توانست خطوط قرمز خود را حفظ کند، از ظرفیت‌های دیپلماتیک بهره‌برد و حتی در شرایطی که فشارهای تحریمی شدید بود، امکان تعامل با کشورهای دیگر را فراهم کند. به بیان ساده‌تر، مسیر دیپلماتیک روحانی و تیمش، یک سرمایه ملی برای کشور است که از نظر سیاسی، اقتصادی و امنیتی به نفع ایران عمل کرده است. هرگونه تلاش برای تخریب این مسیر، به ویژه در شرایط حساس کنونی، می‌تواند فرصت‌های ملی را از بین ببرد و کشور را در معرض خطرات بیشتر قرار دهد.

اهمیت همگرایی

همزمان با موفقیت‌های دیپلماتیک، ایران در حوزه‌های داخلی نیز دستاوردهای قابل توجهی داشته است. مدیریت هوشمند منابع، توسعه صنایع داخلی، افزایش ظرفیت‌های انرژی و تقویت تولید ملی، همگی نشان‌دهنده یک سیاست کلی بر بهره‌گیری از توان داخلی و کاهش وابستگی به فشارهای خارجی است.

این موفقیت‌ها، نتیجه مستقیم راهبردهای مستمر و تدبیرهای دیپلماتیک و اقتصادی دولت روحانی است و به کشور کمک کرده تا در شرایط پیچیده بین‌المللی به ثبات نسبی دست یابد و ظرفیت مقابله با فشارهای خارجی را افزایش دهد. تحلیلگران بر این باورند که تمرکز بر این دستاوردها و تقویت انسجام داخلی، بهترین پاسخ به همه‌های طیف رادیکال و تلاش آنها برای تخریب مسیر موفق دیپلماسی است.

تقی آزادارمکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

آینده کشور در گرو سناریو

بازیگران سیاسی



جامعه ایران با وضعیت دوگانه‌ای مواجه شده است

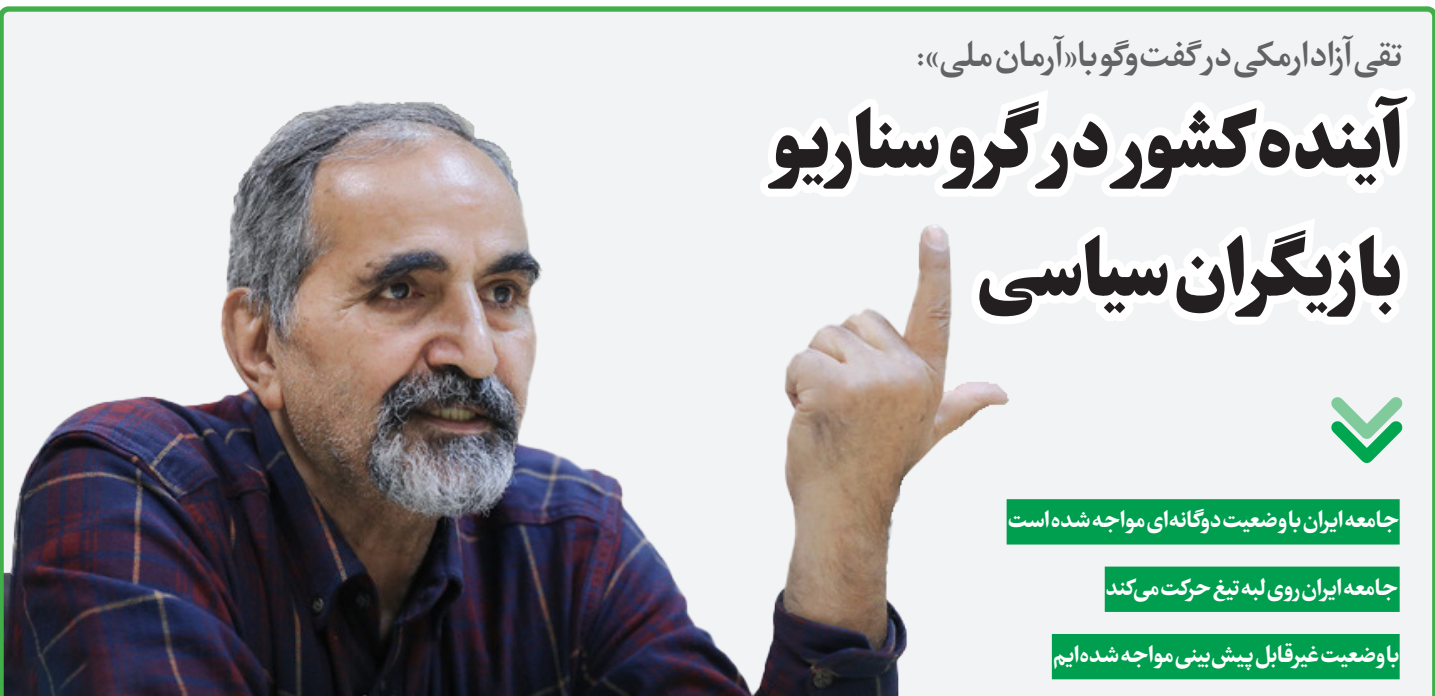
جامعه ایران روی لبه تیغ حرکت می‌کند

با وضعیت غیرقابل پیش‌بینی مواجه شده‌ایم

سه شنبه
۱۴۰۴ • ۰۷ • ۰۸
۰۷ ربیع الثانی ۱۴۴۷ / ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵

سال هشتم
شماره ۲۲۱۳

armanmeli.ir



متخاصم در شرایط کنونی تغییر رویه داده و تهدیدهای خود را کاهش دهند و یا از بین ببرند و از سوی دیگر نظام سیاسی نیز خودتخریبی و دیگر تخریبی نکند و نارضایتی جامعه محدود و کنترل شود، من فکر می‌کنم می‌توانیم از این بحران عبور کنیم. با این وجود اگر تهدیدهای خارجی جدی شود و مسأله جنگ و یا اشغال سرزمینی مطرح شود و حاکمیت نیز به درستی تصمیم‌گیری نکند و جامعه نیز به سمت نارضایتی شدید حرکت کند ما در مرحله تغییر قرار خواهیم گرفت. البته وضعیت دیگری نیز وجود دارد که در این وضعیت همچنان تهدیدهای خارجی وجود دارد. اما رفتارها تغییر کرده و جامعه احساس کند نباید در شرایط کنونی دست به اعتراض بزند، هیچ اتفاقی رخ نخواهد داد». در ادامه محصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آرمان ملی - احسان انصاری: جامعه ایران در چه شرایطی قرار دارد و با تحریم‌های بیشتر و فشار اقتصادی بیشتر چه خواهد کرد؟ بازیگران سیاسی در شرایط بحرانی کنونی به چه نوع تصمیم‌گیری خواهند کرد؟ آیا تهدیدهای خارجی امروز نقش تعیین‌کننده‌تری در تحولات آینده ایران دارند و یا چالش‌های داخلی؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات و بررسی چشم‌انداز آینده با دکتر تقی آزادارمکی استاد دانشگاه و جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده است. آزادارمکی معتقد است: «در شرایط کنونی سه موضوع حائز اهمیت است. نخست تهدیدهای خارجی، دوم نارضایتی اجتماعی و سوم نوع بازی است که بازیگران سیاسی در شرایط کنونی انجام می‌دهند. این سه عامل با همدیگر می‌توانند شرایط را درست و یا کار را سخت کند. اگر کشورهای

جدی‌تری برای آینده کشور می‌دانید و یا چالش‌های داخلی را؟

من فکر می‌کنم هر دو عامل تهدیدکننده باهم عمل می‌کنند. در شرایط کنونی سه موضوع حائز اهمیت است. نخست تهدیدهای خارجی، دوم نارضایتی اجتماعی و سوم نوع بازی است که بازیگران سیاسی انجام می‌دهند. این سه عامل با همدیگر می‌توانند شرایط را درست و یا کار را سخت کند. اگر کشورهای متخاصم در شرایط کنونی تغییر رویه داده و تهدیدهای خود را کاهش دهند و یا از بین ببرند و از سوی دیگر نظام سیاسی نیز خودتخریبی و دیگر تخریبی نکند و نارضایتی جامعه محدود و کنترل شود، من فکر می‌کنم می‌توانیم از این بحران عبور کنیم. با این وجود اگر تهدیدهای خارجی جدی شود و مسأله جنگ و یا اشغال سرزمینی مطرح شود و حاکمیت نیز به درستی تصمیم‌گیری نکند و جامعه نیز به سمت نارضایتی شدید حرکت کند ما در مرحله تغییر قرار خواهیم گرفت. البته وضعیت دیگری نیز وجود دارد که در این وضعیت همچنان تهدیدهای خارجی وجود دارد. اما رفتارها تغییر کرده و جامعه احساس کند نباید در شرایط کنونی دست به اعتراض بزند، هیچ اتفاقی رخ نخواهد داد. در چنین شرایطی مردم دوران سختی را طی خواهند کرد اما اتفاق مهمی رخ نخواهد داد و این احتمال وجود دارد که پس از این دوران شرایط بهتر شود. به همین دلیل من شرایط جامعه را دوگانه می‌بینم و فکر می‌کنم جامعه ایران روی لبه تیغ در حال حرکت است و هر لحظه ممکن است به یک طرف حرکت کند.

با توجه به شرایط کنونی کدام سناریو را محتمل‌تر می‌دانید؟

من خیلی مشتاق هستم که دولت ضعیف در ایران ببینم. تجربه تاریخی در جامعه ایران نشان داده که هر زمان دولت قوی شده در فضای بسته حرکت کرده است. خوشبختانه امروز جامعه ایران قوی است و مانند دوران قاجار نیست که بریک جامعه مبتنی ایل و زندگی روستایی استوار باشد. امروز نیروهای اجتماعی می‌توانند نقش مهمی در آینده کشور ایفا کنند. این وضعیت در جنگ ۱۲ روزه نیز رخ داد. من فکر می‌کنم دولت ضعیف در کنار جامعه قوی فرصتی برای کشور ایجاد می‌کند که اگر دوباره جنگی رخ بدهد از این بحران عبور کند و خود را به دموکراسی برساند. از این نظر من خوشبین هستم و امیدوارم این اتفاق رخ بدهد. حتی اگر این اتفاق از یک مسیر سخت و دشوار عبور کند نیز از رشدنند خواهد بود. شاید اگر این سختی را تجربه نکنیم به دموکراسی نخواهیم رسید و دوباره با شعارهای کلی و دیدگاه‌های خاص مواجه خواهیم شد. ما باید در یک فرایند دگردیسی فرهنگی و اجتماعی حرکت کنیم که در نهایت به گرویدگی سیاسی منجر شود که در نهایت دموکراسی محقق خواهد شد. در چنین شرایطی غرب نیز از تهدیدها و تحریم‌های ایران دست برخواهد داشت.

نوع بازی دولت آقای پزشکیان تفاوت جدی با بازی دولت آقای رئیسی نکرده است. هر دو دولت به شکلی رفتار کردند که هم فضای سیاسی بسته شود و هم از نظر اجتماعی جامعه با بن بست مواجه شود

تعطیلی پروژه توسعه بوده و به همین دلیل نیز تولید ثروت در کشور انجام نمی‌شود. این وضعیت ریشه در امروز ندارد و باید دلایل آن را در گذشته جست‌وجو کرد. همه دولت‌هایی که در دو دهه گذشته روی کار آمده‌اند به دلایل مختلف هم خود در نهایت به بن بست رسیدند و هم اینکه جامعه را به دشواری انداختند. به عنوان مثال نوع بازی دولت آقای پزشکیان تفاوت جدی با بازی دولت آقای رئیسی نکرده است. هر دو دولت به شکلی رفتار کردند که هم فضای سیاسی بسته شود و هم از نظر اجتماعی جامعه با بن بست مواجه شود. به همین دلیل نیز ما امروز با توقف تولید ثروت در کشور مواجه شده‌ایم و در نتیجه با شرایط بحرانی کنونی مواجه شده‌ایم. به همین دلیل برخی عنوان می‌کنند که تحریم‌ها دیگر تأثیری در روند مدیریت کشور ندارد. واقعیت هم همین است و تحریم‌ها دیگر اثری ندارد، چرا که همه تأثیرگذاری خود را گذاشته و دیگری کاری نمانده که انجام نشود. در شرایط کنونی دو حالت وجود دارد، اینکه جامعه به خواسته غرب که تغییر است تن بدهد یا مقاومت کند و خود را با شرایط جدید وفق دهد. اینکه کدام اتفاق رخ می‌دهد بستگی به رابطه دولت و ملت دارد.

با توجه به اینکه در شرایط کنونی چالش‌های داخلی و خارجی باهم همزمان شده آیا عامل خارجی را تهدید

در شرایط کنونی دو حالت وجود دارد، اینکه جامعه به خواسته غرب که تغییر است تن بدهد و یا مقاومت کند و خود را با شرایط جدید وفق دهد. اینکه کدام اتفاق رخ می‌دهد بستگی به رابطه دولت و ملت دارد

رسول منتجب‌نیا:

رئیس‌جمهور با مسئولان ناکارآمد شجاعانه برخورد کند

حقیقی در جبهه‌ها وجود دارد که می‌تواند احزاب را به طور کلی از صحنه خارج کند. این اقدامات خلاف مصلحت کشور است. پیشنهاد می‌دهم که وزارت کشور نظرات احزاب را از طریق مکاتبه رسمی دریافت و بررسی کند. وی در ادامه به خبر خوش مسئول حزب در سیستان و بلوچستان اشاره کرد و افزود: برگزاری جلسه‌ای در مسجد مکی زاهدان با حضور مسئولان کشوری و عذرخواهی از خانواده‌های قربانیان رویدادهای تلخ آن شهر را می‌تواند برای ایجاد فضای شادی و امید است. منتجب‌نیا با انتقاد شدید از سخنان قلدربایانه دونالد ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل، او را فردی جنگ‌افروز و متکبر خواند و تصریح کرد: اگر جلوی ترامپ گرفته نشود، ضمن مسیر فرعون را پیش خواهد گرفت. پیشنهاد می‌کنم در تریبون‌های جهانی، مواضع کشور با بیان شیوا و قاطع طرح شود تا جامعه جهانی در برابر اقدامات آمریکا و اسرائیل واکنش نشان دهد. در پایان جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری ایران اسلامی، مقرر شد کمیته تشکیلات و کمیته استان هانتایچ بررسی عملکرد استان‌ها را جهت اتخاذ تصمیم درباره مسئولان استانی به شورای مرکزی ارائه کنند.

درست، صحیح نیست. رئیس‌جمهور باید با مسئولان ناکارآمد شجاعانه برخورد کند، چرا که هر اشکالی در دولت به پای ایشان نوشته خواهد شد. وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، بهداشت و علوم باید برنامه‌ای جامع برای سال تحصیلی جاری تدوین کنند و به راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها توجه داشته باشند. از نگاه بنده، مخالفت با سیاسی شدن دانشگاه‌ها مغایر نظر رهبر انقلاب بوده و برگزاری این کرسی‌ها موجب رشد و بالندگی جوانان می‌شود. دبیر کل حزب جمهوری ایران اسلامی، منتجب‌نیا در ادامه خطاب به رئیس‌جمهور، بر ضرورت ارزیابی عملکرد وزرا و مسئولان پس از گذشت یک سال از عمر دولت تأکید و اظهار کرد: هر گونه ترمیم و تغییر بدون ملاک و ارزیابی

دبیرکل حزب جمهوری ایران اسلامی با محکومیت حمله به مذاکره‌کنندگان فلسطینی در قطر بیان کرد: این اقدام جنایتی خطرناک است. بی‌توجهی کشورهای اسلامی به چنین حملاتی می‌تواند منجر به جنگی دامنه‌دار در منطقه شود. فعال شدن دیپلماسی منطقه‌ای برای حل مسائل مرتبط با برجام، حملات اسرائیل و برخی ادعاهای کشورهای اسلامی، یک ضرورت است. وزارت خارجه نباید در برابر فشارها کوتاه بیاید و باید از طریق دیپلماسی مشکلات را حل کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین رسول

منتجب‌نیا در ادامه خطاب به رئیس‌جمهور، بر ضرورت ارزیابی عملکرد وزرا و مسئولان پس از گذشت یک سال از عمر دولت تأکید و اظهار کرد: هر گونه ترمیم و تغییر بدون ملاک و ارزیابی



یادداشت

ترامپ و پایگاه بگرام



محمد حسین واحدی

کارشناس مسائل بین‌الملل

آمریکا و شوروی تلاش زیادی می‌کردند تا در افغانستان نفوذ داشته باشند. آمریکا به مجاهدین برای مقابله با نفوذ نیروی‌های ارتش سرخ، موشک استیگر و جاولین می‌داد. این سلاح‌ها گیم چنجر هستند، حتی شامل کمک‌های آمریکا به اوکراین نیز می‌شود. مجاهدین با استفاده از این سلاح‌ها توانستند ارتش سرخ را مجبور به ترک افغانستان کنند، اما شوروی یک چیزی از خود به‌جای‌گذار گذاشت. آن چیزی که به یادگار گذاشت در واقع پایگاه بگرام بود. پایگاه بگرام در سال ۱۹۵۵ توسط شوروی برای ارتش افغانستان ساخته شد. ولی در زمان حضور شوروی در افغانستان نقش یک مکان جاسوسی را برای شوروی داشت. وقتی شوروی در سال ۱۹۸۰ به افغانستان حمله می‌کند، بگرام یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی ارتش سرخ می‌شود. بعد از شکست ارتش سرخ و خروج شوروی از افغانستان بگرام به دست نیروهای مجاهدین می‌افتد. زمانی که جنگ داخلی در افغانستان می‌شود بگرام به دست نیروهای طالبان می‌افتد. پایگاه بگرام همیشه در حال رشد بوده چه در زمان شوروی، چه در زمان مجاهدین در دوران آمریکا نیز به اوج‌گسترش خودش رسیده است. پایگاه بگرام در زمانی که نیروهای آمریکایی در آن حضور داشتند بسیار بزرگ و پر از رفت‌وآمد سربازان و هواپیماها بود است، اما چرا این پایگاه برای آمریکایی‌ها به‌خصوص ترامپ اهمیت دارد؟ همان‌طور که پیش‌تر گفته‌شد این پایگاه بسیار بزرگ است. مساحت این پایگاه حدود ۲۰ تا ۳۰ کیلومتر مربع تخمین زده می‌شود. پایگاه بگرام ۶۰ باند پروازی بزرگ ۲۰۰۰ متری دارد به طوری که انواع هواپیماهای بزرگ و کوچک به راحتی می‌توانند از آن بلند شوند. علاوه بر این این پایگاه قابلیت پشتیبانی انواع هواپیماها را دارد. انبار مهمات و سوله‌های بزرگی در این پایگاه وجود دارد که برای تعمیرات هواپیماهای نظامی به کار می‌روند. پایگاه بگرام حدود ۱۱۰ ساختمان بزرگ و صد هاستاسیست کوچک درون خود دارد. ۳۰ بیمارستان نظامی در این پایگاه وجود دارد. بزرگترین بیمارستان صحرایی نانو نیز در این پایگاه بوده است. اینها بخشی از دلایل اهمیت این پایگاه برای آمریکایی‌ها است. اما چرا این پایگاه برای ترامپ مهم است؟ ترامپ در سخنرانی اخیر خود گفت: پایگاه بگرام تا مرزهای چین فقط ۱۰۰۰ کیلومتر تا جایی که چین میب‌ایم می‌سازد فاصله دارد. اما به علاوه این ترامپ برنامه‌هایی برای مقابله با روسیه و ایران دارد. شاید از این پایگاه برای حمله به روسیه در صورت حمله روسیه به ناتو، یا حمله به تاسیسات هسته‌ای ایران استفاده کند. علاوه بر این پایگاه بگرام تا کابل فقط ۶۰ کیلومتر فاصله دارد. اما پیامدهای تصاحب این پایگاه برای آمریکا چیست؟ آمریکا در طول ۲۰ سال نفوذ خود در افغانستان حدود ۲۴۷۸ از سربازانش در این پایگاه کشته شده‌اند. ۲۰۰۰۰ هزار سرباز دیگر نیز زخمی شدند. آمریکا ۲ تریلیون دلار نیز هزینه کرد. اگر هم بخواد بازگردد باید حداقل ۵۰۰ میلیون دلار دیگر نیز برای عملیاتی شدن این پایگاه هزینه کند. چرا که طالبان مانند آمریکا بلد نیستند از این پایگاه استفاده کنند. طالبان اخیرا به سخنان ترامپ واکنش نشان دادند و هرگونه ورود نظامیان خارجی را ممنوع کردند. آمریکا باید با آنها معامله به‌مقابله کند. در صورت مقابله که باید بگویم طالبان ارتش قدرتمندی دارد. تجهیزات به‌جامانده از آمریکا طالبان را تبدیل به دومین قدرتی کرده که بزرگترین ناوگان هلیکوپتر بل را دارد. حدود ۱۳۰۰ فروند هلیکوپتر بل را اختیار طالبان است. انواع و اقسام ماشین‌های زرهی آمریکایی مانند هامر نیز اجازه حضور آمریکا در این پایگاه را دوباره نخواهند داد. اگر آمریکا بخواد به افغانستان حمله کند مانند دیگر طالبان فعلی طالبان قدیم نیست و بسیار قدرتمند است. در صورت لزوم چین و ایران هم به آنها کمک خواهند کرد تا مقابل آمریکا بایستند.

کوتاه

جواد امام:

مواضع تندروهای داخلی و دشمنان خارجی ایران دوروی یک سکه‌اند

جواد امام، سخنگوی جبهه اصلاحات در واکنش به ابراز شادمانی عده‌ای پیرامون فعال شدن مکانیسم ماشه، در شبکه ایکس نوشت: مخالفان برجام و استقبال کنندگان از فعال شدن مکانیسم ماشه (اسنپ‌بک) با شادمانی برای بازگشت قطعنامه‌هایی که ایران را ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد و تحریم‌های ظالمانه قرار می‌دهد و موجب تحمیل هزینه‌های سنگین بر تن‌بخور اقتصاد کشور و ملت مظلوم ایران می‌شود، آغوش گشوده‌اند. جای تأسف دارد که اما شادمانی تندروهای داخلی و کاسبان تحریم بر سر حنازه برجام با انگیزه‌ای به مراتب بیشتر از حامیان تندروی ترامپ و نتانیاهو است. مواضع و دستاوردهای عملکرد تندروهای داخلی و دشمنان خارجی ایران دوروی یک سکه‌اند.